

# دید و بازدیدهای گذشته و حال

باور کنید با گرانی‌هایی که این روزها با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کنیم دوران باشکوه دیدوبازدیدها و دوره‌می‌ها و بگو بخنده گذشته است. هرچقدر که به کاهش تورم امید می‌بندیم به همان اندازه از تعداد میهمانی‌ها و دوره‌می‌ها فاصله می‌گیریم تا جایی‌که حتی نمی‌توانیم نزدیک‌ترین افراد خانواده خود را به یک میهمانی معمولی با حداقل پذیرایی‌ها دعوت بکنیم.

در روزهای نه چندان دور، بزرگ‌های خانواده حرف اول و آخر را می‌زدند. در میهمانی‌ها، در گردش‌ها و سیاحت و مسافرت‌ها و خلاصه در هر رویدادی، بزرگ جمع صاحب اختیار و ترسیم‌کننده وظایف همه وابستگان بود. کسی خودسرانه اجازه نداشت اقدامی بکند حتی نشستن در مجلس خود تابع قوانینی بود که هیچکس جرئت تخطی از آن را نداشت. مگر فردی می‌توانست برای خودش حکومتی راه بیندازد و برای تخریب دیگران و برهم زدن جایگاه‌ها، عده‌ای را دور هم جمع نماید و آنها را برای حملات مختلف آماده کند و در مواقع مورد نیاز به عملیات انتحاری وادار نماید.

این روزها دیگر از آن میهمانی‌های باصفا و رعایت اصول و حفظ حرمت‌ها و جایگاه‌ها خبری نیست و مخصوصاً وقتی پای مقام‌ها و میزهای ریاست و مدیریت در میان باشد زبانم لال پرده‌ها دریده می‌شود، اقیانوسی از دروغ‌ها و تهمت‌ها روان می‌شود و عاملانش پایکوبی می‌کنند و از برای برهم زدن معیارها خوشحالی می‌نمایند.

مشکل بزرگی که این روزها جامعه با آن مواجه می‌باشد این است که هر کسی که اندکی ارتقا می‌یابد و جایگاهی به دست می‌آورد و عنوانی چون رئیس یا مدیر را یدک می‌کشد فکر می‌کند که هر کاری که دلش بخواهد می‌تواند انجام بدهد. هر فردی که خود را موظف به رعایت قانون می‌داند به‌خوبی آگاه است که هر مسئولی برای اصلاحات و جابه‌جایی‌ها صاحب اختیار می‌باشد اما همه آنها باید در چارچوبی باشد که مورد پذیرش جامعه و افکار عمومی قرار گیرد. این‌که خودم تصمیم می‌گیرم و به کسی ارتباطی ندارد و نخواهد داشت اگر نیت خیر هم باشد نمی‌تواند قابل‌قبول باشد.

هر مسئولی باید به این واقعیت تن بدهد که هر آمدنی و یا رفتنی باید در یک چارچوب اصولی و منطقی باشد و خود را بالاتر و بزرگ‌تر

از دیگران نداند و خارج از اصول و منطق رفتارهای سؤال برانگیز  
نداشته باشد.